

دیدار رهبر انقلاب با نمایندگان مجلس شورای اسلامی+ متن بیانات

متن کامل بیانات رهبر انقلاب در دیدار نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی منتشر شد.

به گزارش سایت خبری پرسون، نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی، صبح چهارشنبه با حضور در حسینیۀ امام خمینی(ره) با حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند.

متن کامل بیانات رهبر انقلاب در این دیدار را در ادامه می‌خوانید:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقية الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی. این دیدار سالیانه، هم فرصتی است برای اینکه از مجلس شورای اسلامی تکریم بشود، چشم‌ها به این نهاد با عظمت دوخته بشود و همه توجه کنند به عظمت و اهمیّت جایگاه مجلس، هم فرصتی است برای اینکه به نمایندگان محترم خداقوت گفته شود. یک سال زحمت کشیدید — حالا این بار که سه سال زحمت کشیدید — و انصافاً جا دارد که در پایان هر سال یک خداقوت صمیمی و از ته دل به نمایندگان محترم گفته بشود؛ یکی از اهداف این جلسه این است. احیاناً برخی نصایح و تذکرات هم هست که انسان فکر میکند شاید مفید باشد و شاید اقتضای اصل ۵۷ قانون اساسی هم باشد که ما یک تذکراتی، گاهی یک نصایحی به شما عرض کنیم.

من چند مطلب را آماده کرده‌ام که عرض کنم لکن قبل از شروع این مطالب لازم میدانم یاد کنم از حماسه‌ی فتح خرمشهر؛ کار بزرگ کم‌نظیر حقاً و انصافاً، یعنی در اوایل فروردین، دوم فروردین سال ۶۱ آن عملیات بزرگ فتح‌المبین انجام گرفت، با آن پیروزی عظیمی که اتفاق افتاد و بیش از پانزده هزار نیروی دشمن در آن عملیات اسیر شدند، خب دیگر فکر نمیشد که حالا به این زودی نیروهای مسلح ما به فکر یک عملیات دیگری باشند، چه برسد به اینکه بگوییم به فکر عملیاتی باشند که دو برابر یا چند برابر [عملیات] فتح‌المبین است؛ اما این اتفاق افتاد. ما وقتی که به فتح خرمشهر نگاه میکنیم، [می‌بینیم] که خب یک حادثه‌ی معجزه‌آسا بود؛ واقعاً معجزه‌آسا بود. بعد از فتح خرمشهر، این واسطه‌ها، بعضی از رؤسای جمهور و مانند این‌ها [به ایران] می‌آمدند؛ آقای سکوتوره که خب شخصیت جافتاده‌ی مهمی بود در آفریقا، آمد به من گفت که امروز وضع شما با دیروز فرق میکند، به خاطر فتح خرمشهر؛ یعنی اصلاً زمینه‌ی صحبت یک زمینه‌ی دیگری است.

عظمت فتح خرمشهر چشم‌ها را به خود جلب میکند، اما من میخواهم بگویم مهم‌تر از فتح خرمشهر یا لااقل به همان اندازه مهم، جریانات این عملیات بیت‌المقدس است، این عملیاتی که منتهی شد به فتح خرمشهر؛ آن فداکاری‌ها، آن ابتکارها، آن نقشه‌ها و طرح‌های جنگی‌ای که به نظر بنده باید در دانشگاه‌های جنگ تدریس بشود.

پیدا کردن راه میانه، زمین‌گیر کردن دشمن، محاصره کردن دشمن، مقاومت کردن و ایستادن در مقابل مشکل کمبودهای انسانی و تسلیحاتی و شهدای عالی‌مقامی که ما در این عملیات دادیم، اهمیّت خیلی زیادی دارد. واقعاً افراد [کتاب‌های] مربوطه را [بخوانند]. من میدانم شما برادران و خواهران عزیز وقت میکنید این کتاب‌هایی را که در باب این عملیات هست بخوانید [یا نه]؛ به نظر من وقت کنید بخوانید؛ جا دارد. اگر شما فرصت پیدا میکنید که در شهر خودتان عملیات انتخابات انجام بدهید، تبلیغات انتخاباتی بکنید، با خیال راحت بروید بین مردم حرف بزنید، بعد مردم با خیال راحت بروند پای صندوق و اسم شما را ببندازند داخل صندوق، بعد ببایید در مجلس و چهار سال در مجلس [باشید]. اگر این اتفاق‌ها می‌افتد، به خاطر آن فداکاری‌ها است، به خاطر آن شهادت‌ها است، به خاطر آن ازخودگذشتگی‌های به معنای واقعی کلمه است. آن وقتی که مثلاً فرمانده گردان در وسط معرکه احساس میکند نیروهایش بریده‌اند، امکانات ندارند، دستگاه ندارند، دشمن هم با دویست تانک دارد می‌آید طرف خاک‌ریز این‌ها و برای اینکه روحیه بدهد به بچه‌های خودش می‌رود روی خاک‌ریز می‌ایستد برای بچه‌ها حرف می‌زند، این‌ها به زبان آسان است؛ این کارهای بزرگ، این حرکات انصافاً فوق طاقّت متعارف بشری — یعنی طاقت متعارف بشری این قدر نیست — عظمتش خیلی زیاد است؛ نگذارید این‌ها کهنه بشود. شماها بر روی منبر بلندی نشسته‌اید، منبر مجلس شورای اسلامی؛ صدای شما به همه‌ی کشور، بلکه به دنیا میرسد؛ نگذارید این حوادث بزرگ و این افتخارات عظیم کهنه بشود، کمرنگ بشود، فراموش بشود. خب، ان شاء الله سوّم خرداد بر همه‌ی ملت ایران مبارک باد!

اما من چند مطلب یادداشت کرده‌ام که عرض کنم: مطلب اول در مورد مسئله‌ی قانون است، دو سه نکته است که عرض میکنم؛ مطلب دوم در مورد مجلس یازدهم است، همین مجلس شما؛ مطلب سوّم هم چند توصیه است که عرض خواهم کرد. البته خیلی از این مطالبی که من امروز به شما می‌گویم، بارها گفته شده؛ سال گذشته همین جا خیلی از حرف‌ها را زدیم، سال‌های قبلش هم همین‌جور، لکن بالاخره شنیدن و تذکر دادن و مکرر گفتن یک امر فی‌نفسه لازمی است.

در مورد قانون و اهمیّت قانونگذاری باید عرض بکنم درست است که شما برای مجلس دو شأن قائلید، شأن قانونگذاری و شأن نظارت — به همان معنایی که «نظارت» در قانون معنا شده —، اما شأن قانونگذاری خیلی بالاتر از مسئله‌ی نظارت است؛ اصل مسئله برای مجلس، قانونگذاری است.

فلسفه‌ی قانون چیست؟ اصلاً چرا ما قانون لازم داریم؟ برای اینکه ثبات در زندگی ضرورت حیاتی است. اگر ثبات نباشد، جامعه غیر قابل پیش‌بینی باشد، برنامه‌ریزی نمیشود کرد. برنامه‌ریزی مبتنی است بر اینکه شما بتوانید به آینده خاطر جمع باشید تا بتوانید برنامه‌ریزی میان‌مدت یا بلندمدت بکنید. چه جوری خاطر جمع میشوید؟ با قانون. قانون در همه‌ی مسائل — مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی، مسائل فرهنگی و ... — قاعده وضع میکند؛ قانون این است. اگر قانون نباشد، اصلاً زندگی مختل خواهد شد. معروف است در دنیا که قانون بد، بهتر از بی‌قانونی است؛ در حالی که قانون بد یک آفت بزرگی است، اما می‌گویند از بی‌قانونی بهتر است. پس مسئله‌ی قانونگذاری خیلی مهم است. قانونگذاری، هم به آحاد مردم امکان میدهد برای زندگی خودشان برنامه‌ریزی کنند، هم به مجموعه‌ها و پنگاه‌های گوناگون فرهنگی و اقتصادی و ... این فرصت را میدهد، هم به مسئولان کشورها و دولت‌ها این فرصت را میدهد؛ قانون [مهم است]. این اهمیت قانونگذاری است. خوب، اگر قانون نباشد، طبعاً روزمرگی است، هرج‌ومرج است. معروف است که قانونگذاری ریل‌گذاری است؛ ما هم این را مکرر گفته‌ایم؛ آقای قالیباف هم الان در بیان‌شان بود؛ حرف درستی هم هست؛ منتها ریل‌گذاری یعنی مسیر را برای نیروهای اجرائی کشور آماده کردن، که از این مسیر بروند. منتها در ریل‌گذاری خصوصیتی وجود دارد و آن اینکه آن کسی که روی ریل حرکت میکند، دیگر قدرت چپ و راست رفتن ندارد — قطار از روی ریل حرکت میکند — در حالی که مسئولان اجرائی ما و دولت‌ها در طول تاریخ، مواردی از قوانین تخطی میکنند. پس در واقع بگوییم [قانونگذاری] جاده‌سازی است. ولی به هر حال مسیر را مشخص کردن است.

قانونگذاری یک نسبتی با سیاست‌های کلی دارد؛ چون یک چیزی هم در قانون اساسی به نام سیاست‌های کلی هست. این سؤال گاهی مطرح میشود که خب سیاست‌های کلی چه کاره است؟ قانونگذاری چه کاره است؟ پاسخش این است که عرض میکنم: سیاست‌های کلی جهت را معین میکند، قانونگذاری راه‌ها و جاده‌هایی را که به این جهت میشود حرکت کرد مشخص میکند؛ فرقی این است. مثلاً در سیاست‌های کلی گفته میشود باید برویم طرف شمال؛ اما راه به سمت شمال، راه‌های متعددی است؛ این دولت می‌گوید من این راه را انتخاب میکنم، آن دولت می‌گوید من این راه [دیگر] را انتخاب میکنم؛ اشکالی ندارد. لذاست که سیاست‌های کلی برای همه‌ی سلاقی و همه‌ی شیوه‌های مدیریتی ظرفیت دارد. این مجلس می‌گوید من این قانون را برای این [مورد] انتخاب میکنم، یک مجلس دیگر ممکن است یک قانون دیگری را انتخاب بکند؛ تفاوتش این است. خب این خیلی مهم است که جهت باید فراموش نشود. قانون از آن «جهت» باید تخطی نکند؛ نسبت بین سیاست‌گذاری و قانونگذاری این است.

خب، خود قانون‌نویسی و قانونگذاری هم یک اصولی دارد، که البته این اصول در سیاست‌های تقنین آمده؛ که حالا آن سیاست‌ها هم باید تبدیل به قانون بشود که متأسفانه نشده و چند سال است که مانده. یکی از کارهایی که باید حتماً انجام بگیرد، تقنین برای شیوه‌ی قانونگذاری است — قانونگذاری برای شیوه‌ی قانونگذاری — تا معلوم باشد که قانونگذاری چه جوری انجام میگیرد.

ما در آن سیاست‌های کلی که با مشورت مجمع تشخیص و صاحب‌نظران متعددی تنظیم شده، در مورد خصوصیات قانون، نکاتی را ذکر کردیم که حالا سه چهار موردش را من اینجا عرض میکنم:

یکی مسئله‌ی تأویل‌ناپذیری قانون است؛ یعنی قانون صریح باید باشد، جوری نباشد که مجدداً احتیاج به استفساریه‌ی مجلس داشته باشد که باز یک بحث تکراری‌ای پیش بیاید؛ باید به کارشناسی جامع اتکاء داشته باشد، اتقان داشته باشد، واقعاً روی آن کارشناسی شده باشد، قابل اجرا باشد. یکی از خصوصیات قانون خوب قابل اجرا بودن است؛ اگر یک قانونی است که از لحاظ منابع مالی کشور، از لحاظ ظرفیتهای کشور قابل اجرا نیست، این قانون، قانون خوبی نیست. خب، خیلی از آرزوها را انسان دارد منتها باید دید میتوانیم این آرزو را عملی بکنیم، یعنی اگر مثلاً شما به جای اینکه نماینده‌ی مجلس باشید، وزیر فلان دولت بودید یا رئیس فلان دولت بودید، میتوانستید این را اجرا کنید؟ این مهم است؛ این را باید در نظر گرفت. وقتی که میخواهیم قانون بگذاریم، قابل اجرا بودن قانون معلوم بشود. ثبات قانون یکی از خصوصیات است؛ البته قانون باید بروز بشود؛ در این شکی نیست لکن به‌روز شدن قانون یک حرف است، تغییرات پی‌درپی، تبصره زدن و مانند این‌ها یک حرف دیگر است که [این] از حالت قانونی خواهد افتاد. منقح باید باشد؛ بدون تعارض باید باشد. خب این‌ها باید‌ها است؛ از این باید‌ها، نباید‌ها را میشود فهمید.

یکی از نباید‌ها انباشته شدن قانون است که حالا [هم] گفتند، گزارشی هم به من رسیده بود که قوانین به وسیله‌ی هوش مصنوعی دارد تنقیح میشود که این تعارض‌ها از بین برود؛ تعارض قوانین که ناشی از انباشته شدن قانون است. مثلاً یک موضوع واحد در قانون بودجه‌ی سال می‌آید، فرض کنید که در قانون مربوط به محیط زیست می‌آید، و در برخی قوانین [دیگر]؛ خب، این قوانین با همدیگر ممکن است سازگار نباشد؛ وقتی تکلیف، بین قوانین مختلف معطل شد، آدمی که میخواهد سوء استفاده کند، سوء استفاده میکند. این قانون‌دانان قانون‌شکن که بنده بارها تکرار کرده‌ام، همین جاها است که استفاده میکنند.

قانونگذاری ناظر به منافع اشخاص، یکی از آفات قانونگذاری است که قانون ناظر باشد به منافع فلان قشر یا فلان شخص یا فلان مجموعه؛ این‌ها آفات قانون است که باید مراقبت کرد.

من قبلاً — حالا یادم نیست سال قبل بود یا جلسه‌ی قبل — راجع به مسئله‌ی افزایش طرح‌ها یک تذکری به دوستان عرض کردم؛ گفتم نگذارید طرح بر لایحه غلبه پیدا کند. خب، وقتی لایحه می‌آید، در واقع دولت خودش دارد می‌گوید من میتوانم این کار را انجام بدهم، اما طرح نه. ممکن است شما با زحمت زیادی یک طرحی را فراهم بکنید، بعد با زحمت زیادی آن طرح را در مجلس تصویب بکنید، بعد به دولت که میرسد بگوید خب من مثلاً این امکان را ندارم یا اجرا نمیشود؛ یعنی زحمت‌ها از بین میرود. اینکه من گفتم ناظر به اجرا [باشد] یک بخش آن هم همین مسئله‌ی کاهش طرح است. حالا البته یک جاهایی طرح باید باشد که من بعداً اشاره میکنم؛ یک مواردی هست که اگر مجلس به خودش نجنبند و طرح احاله نکند، اصلاً کشور معطل میماند؛ اما سیاست کلی باید این باشد که کار مجلس بیش از طرح، بر روی لوایح انجام بگیرد.

یکی از آفات قانونگذاری که خب این هم برای دوستان کاملاً روشن است، اثرپذیری نماینده‌ی قانونگذار از جو است؛ جزدگی. گاهی اوقات میشود تبلیغات اصحاب تبلیغ، حالا چه دشمن، چه آن‌هایی که دشمن هم نیستند، اما خب بالاخره اهل تبلیغات و مانند این چیزها هستند، یک جوی، فضائی درست میکند؛ این در روح قانونگذار نباید اثر بگذارد؛ عرض من این است. اینکه «حالا بدشان می‌آید»، «در بین مردم این‌جوری میشود»، «فلان کس‌ها اعتراض میکنند، ایراد میکنند»، این‌ها باید مطلقاً در قانونگذاری تأثیر نگذارد. جزدگی، یا ملاحظات جناحی، یا دسته‌بندی‌های گوناگون.

خب دسته‌بندی‌ها هست؛ در مجلس هم هست؛ هم در مجلس شما هست، هم در مجالس قبلی بوده. چاره‌ای هم نیست؛ بالاخره سلیق، مختلف است دیگر؛ یک دسته یک جور فکر میکنند راجع به مسائل، یک دسته یک جور دیگر. این دسته‌بندی‌ها که ناگزیر هم هست تا یک حدودی، این‌ها در قانونگذاری اثر نگذارد. اینکه میگویند دوقطبی دوقطبی، معنای دوقطبی همین است؛ معنای دوقطبی اختلاف سلیقه نیست؛ خب اختلاف سلیقه همیشه هست، همیشه بوده. معنای دوقطبی این است که وقتی این اختلاف سلیقه به وجود آمد در هر تصمیمی به جای اینکه به حق و مصلحت فکر کنیم، به جایگاه این دسته‌بندی فکر میکنیم؛ دسته‌ی ما این‌جوری میخواهد، پس باید این بشود؛ حالا حق هست یا نیست، مصلحت هست یا نیست، [فرقی نمیکند] معنای دوقطبی این است. خب این‌ها حالا راجع به مسائل قانون. قانون را باید به سلامت، با طهارت، به نام خدا، برای خدا، باید این‌جوری قانون را نوشت که اگر این [طور] شد، آن وقت برکت پیدا میکند. قانون اگر این‌جور با این ملاحظات و با نیت خوب نوشته بشود و تصویب بشود، واقعاً برکت پیدا میکند. دیگر دولت‌ها هم ناچار میشوند عمل کنند. این یک مطلب.

مطلب بعدی در مورد مجلس کنونی است. من از اوّل تشکیل این مجلس، اعتقاد خودم و علاقه‌ی خودم به این مجلس را که از روی اطلاع بود، عرض کردم، گفتم مجلس، مجلس انقلابی است. الان هم من بعد از سه سال همین را تکرار میکنم. این مجلس بحمدالله مجلسی است انقلابی، باسواد، جوان، پُرتحرک، پُرکار. البته قضاوت‌هایی که انسان راجع به یک مجموعه میکند، با نگاه به مجموعه است؛ حالا یک استثناهایی هم ممکن است وجود داشته باشد؛ به آن استثناها کاری نداریم. مجموعه را که انسان نگاه میکند، با نگاه مجموعی، این مجلس انصافاً یک مجلس انقلابی است. حالا از گوشه و کنار، از چپ و راست، یک متلکی، یک حاشیه‌ای، یک مثلاً چیزی گاهی به مجلس زده میشود، خب بگویند؛ نمیشود انتظار داشت که همه از آدم تعریف کنند؛ نه، بالاخره مخالفت‌هایی هم میشود، اما واقع قضیه همین است که عرض کردم؛ یعنی از روی آن اطلاع و آگاهی‌ای که بنده دارم، این [جور] است که این مجلس انصافاً این خصوصیات را دارد.

مجلس یازدهم مشکلات کشور را شناخته؛ مهم این است. مشکلات کشور شناخته شده و بر اساس شناخت مشکلات، قانون گذاشته شده. این تفصیلی که آقای قالیباف دادند — که قبلاً هم یک گزارش مفصّلی برای من فرستاده بودند؛ [البته] من از جاهای دیگر هم گزارش دارم، یعنی گزارش فقط گزارش مجلس نیست — از کارهایی که شده، قانون‌هایی که تصویب شده یا الان در مجرای تصویب قرار دارد، این‌ها همه حاکی از آشنایی با مشکلات کشور است. وقتی مشکلات را انسان دانست، قانون را بر طبق مشکل وضع میکند. هدف این قوانین، مبارزه با فساد بوده، رفع تبعیض بوده، رفع انحصار بوده، بهبود فضای کسب‌وکار بوده و بقیه‌ی مسائل اقتصادی دیگر. این قوانین با صراحت و قاطعیت نظر داده، حکم کرده و تصویب شده. این هم مهم است؛ یعنی ملاحظه و لایوشانی و مانند این‌ها در قوانین نیست، صریح و روشن است.

برخی از این قوانینی که شما تصویب کرده‌اید، قوانین راهبردی است؛ یعنی قوانین موضعی و مقطعی نیست، یک قوانین راهبردی است برای کشور که واقعاً جای احترام و تمجید دارد؛ چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های غیر اقتصادی؛ در همه‌ی اینها. قانون «اقدام راهبردی» که همان اوّل کار تصویب کردید، یک قانون اساسی است، یک قانون مهمی است. این [قانون]، کشور را از سرگردانی در قضیه‌ی هسته‌ای نجات داد؛ یعنی آن حالت حیرت و حالت ندانم‌کاری [را از بین برد]. وقتی ندانم‌کاری و حیرت هست، انسان به مقتضای هر قدمی یک تصمیمی میگیرد و گاهی تصمیم‌های متعارض! این قانون کاملاً مشخص کرد که باید چه کار کنیم، الان هم داریم نشانه‌هایش را در دنیا مشاهده میکنیم. یا قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» که به معنای واقعی کلمه از آن قانون‌های حیاتی است. بنده سال‌ها است — یعنی چند سال است — این را میگویم، اما قانون شما غیر از گفتن ما است؛ گفتن ما در مواردی حالت نصیحت پیدا میکند، [ولی] قانون شما اجرائی و الزامی است، باید عمل بشود. این قانون خیلی قانون مهمی است. یا قانون «جهش تولید دانش‌بنیان»؛ این‌ها قوانین راهبردی است. قوانین دیگری هم از این قبیل هست که این‌ها قوانین راهبردی است.

یکی از امتیازات مجلس یازدهم که من اصرار دارم این را بگویم و به زبان بیاورم، ساده‌زیستی است؛ یعنی تا آنجایی که به من گزارش شده نسبت به بسیاری از افراد این مجلس، رفتار اشرافی‌مآبانه و نگاه از موضع بالا و به مردم بی‌اعتنائی کردن، یا نیست یا کمتر هست. حالا عرض کردم استثناهایی هم وجود دارد؛ یعنی استثناها هم الان جلوی چشم بنده هست، اما روش کلی این است؛ این روش کلی خیلی چیز خوبی است. این‌ها را از دست ندهید؛ من میخواهم عرض بکنم این نشست و برخاست با مردم، این تواضع در مقابل مردم، این شنیدن حرف مردم را از دست ندهید. البته شنیدن حرف مردم غیر از وعده دادن به مردم است؛ یعنی این‌جور نباشد که وقتی در شهر خودتان در حوزه انتخابیه نشست‌اید و آمدند شکایت کردند، شما همین‌طور وعده بدهید؛ نه، این وعده را نه شما میتوانید عمل کنید، گاهی مجلس هم نمیتواند عمل کند، گاهی کلّ نظام هم نمیتواند عمل کند. وعده ندهید؛ بشنوید، بگویید تلاش میکنیم، زحمت میکشیم، شاید حل بشود؛ یعنی شنیدن حرف مردم با چهره‌ی باز و روی خوش، بدون آخم‌وتخّم. بعضی‌ها با مردم آخم‌وتخّم میکردند! گفت:

چون و نمیکنی گرهی، خود گره مباش

ابروگشاده باش چو دست گشاده نیست

یعنی بالاخره با ابروی گشاده و با روی باز با مردم روبه‌رو شدن، این‌ها خیلی ارزش است، این‌ها اهمیت دارد؛ این‌ها را داشته باشید. این نقاط قوت را — که من عرض کردم و خود شما هم کاملاً بهتر از من میدانید — برای این گفتیم که در این سال آخر، این‌ها را ادامه بدهید.

سال آخر، سال حسّاسی است. حالا بعداً ممکن است یک کلمه‌ای هم راجع به این سال آخر عرض بکنم. یکی از گرفتاری‌های کشور، سال آخر مجالس است که در شرف انتخابات و نگاه مردم و مانند این چیزها است. غرض، این نقاط قوت خودتان را در این سال آخر ادامه بدهید؛ سالم وارد شدید، سالم خارج بشوید. «رَبِّ ادْخِلْنی مَدْخَلَ صِدْقٍ وَّ اُخْرِجْنی مَخْرَجَ صِدْقٍ»؛ این‌جوری باشد ان‌شاءالله؛ از کار، آنچه برای انسان میماند این است. اینکه حالا ما دوره‌ی بعد هم انتخاب بشویم یا نشویم، این‌ها مسائل دنیایی است؛ مسائل درجه‌ی چندم است. اصل قضیه این است که چه ما بعداً به مجلس بیاییم چه نیاییم، کاری که تا الان کردیم مورد قبول خدای متعال قرار بگیرد؛ اصل قضیه این است. خب، این هم مطلب دوم.

مطلب سوّم هم بعضی از توصیه‌ها است که عرض کردیم چند توصیه عرض میکنیم. البته عرض کردم که این توصیه‌ها را قبلاً هم با شما در میان گذاشته‌ایم.

توصیه‌ی اول عبارت است از نوع رابطه‌ی مجلس با قوای دیگر بخصوص با قوه‌ی مجریه؛ این، آن مطلب اساسی است. باید نوع رابطه را تنظیم کرد. یک دوگانه‌ای اینجا وجود دارد: دوگانه‌ی تقریب و تخریب؛ یک نگاه، نگاه تقریبی است؛ یک نگاه، نگاه تخریبی است.

در نگاه تخریبی، رقیب‌پنداری قوه‌ی دیگر حاکم بر ذهنیتها است؛ حالا قوه‌ی قضائیه کمتر، عمده قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه است که این‌ها خود را رقیب هم خیال کنند؛ رقیبی است که باید شانه‌ی طرف مقابل را به زمین برساند؛ این نگاه، نگاه خطرناکی است. حالا، هم از ناحیه‌ی دولت ممکن است این اتفاق بیفتد، هم از ناحیه‌ی مجلس ممکن است اتفاق بیفتد؛ یعنی هر دو طرف میتوانند در این نگاه غلط مشکل درست کنند. دولت‌ها گاهی اوقات مجلس را یک امر زائد، یک امر مزاحم به حساب می‌آورند؛ گاهی لج میکنند. سال‌ها پیش یکی از رؤسای محترم مجلس، پیش من شکایت میکرد که این دولت اصلاً به ما لایحه نمیدهد! بیکار مانده‌ایم. این واقعیت دارد! یعنی یک مجلسی تشکیل شده بود که ترکیب مجلس برخلاف میل آن دولت بود؛ این دولت همکاری نمیکرد، اصلاً لایحه نمیداد. اینکه گفتم بعضی اوقات طرح واجب میشود، اینجا است. وقتی که دولت لایحه نمیدهد، علّاجش این است شما هم مدام پشت سر هم طرح تنظیم کنید و تصویب کنید و ارائه بدهید، ابلاغ کنید. یعنی یک دولت وقتی میخواهد مجلس را اذیت کند، یکی از راه‌هایش همین است که اصلاً [لایحه ندهد]. طبعاً وقتی لایحه نیامد، کشور معطل میماند. این نمونه‌ی واقعی است؛ این مثالی است که اتفاق افتاده. یا قانون تنظیم میشود، ابلاغ میشود، [بعد] قانون را بگذارند داخل کِشو و درش را هم قفل کنند! اجرا نکنند. [یا] قانونی است که ابلاغ شده، اما آیین‌نامه‌هایش مدتهاست تنظیم نشده. قانون بدون آیین‌نامه که قابل اجرا نیست؛ باید آیین‌نامه درست بشود، باید داده بشود برای [اجرا]؛ این کار نمیشود. این‌ها از طرف دولتها.

از ناحیه‌ی مجلس، افراط در به‌کارگیری ابزارهای نظارتی. خب بله، شما ابزارهای نظارتی دارید؛ از سؤال و تذکر، تا استیضاح. خب، این‌ها به جای خودش باید به کار برود، این‌ها ابزارهای مجلس است؛ مجلس چاره‌ای ندارد، برای اداره‌ی کشور به این‌ها احتیاج دارد، اما افراط در به‌کارگیری این‌ها نه. وزرا در دولت‌های مختلف مکرراً پیش بنده آمده‌اند و از تعداد سؤال‌هایی که از این‌ها میشود شکایت کرده‌اند؛ میگویند اصلاً وقت ما بیشتر به پاسخ به این سؤال‌ها میگذرد که [باید] یا برویم کمیسیون، یا برویم صحن مجلس جواب سؤال بدهیم. یا مثلاً فرض بفرمایید وزیر از مجلس رأی اعتماد گرفته، چند ماه بعد — سه ماه بعد، چهار ماه بعد — همین وزیر استیضاح بشود! خب استیضاح برای چه؟ مگر در یک وزارتخانه در سه ماه چه کار میشود کرد که اگر نکرد، آدم استیضاحش بکند؟ این افراط در به‌کارگیری ابزارهای نظارتی است. یا از این قبیل چیزهایی که تکرار نکنیم بهتر است؛ بنابراین این یک نگاه است که نگاه، نگاه تخریب است، نگاه رقیب‌پنداری طرف مقابل است.

یک نگاه دیگر نه، نگاه یک پیکره دیدن مجموعه‌ی نظام است:

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

[نظام] یک پیکر است: یکی قلب است، یکی مغز است، یکی شبکه‌ی عصبی است؛ این‌ها باید با همدیگر کار کنند. اگر مکمل هم نباشند، مغزی که قلب کمکش نکند، قلبی که مغز کمکش نکند، شبکه‌ی اعصابی که مغز کمکش نکند به کار نمی‌آید؛ باید همدیگر را [تکمیل کنند]؛ اصلاً مکمل هم هستند. این یک نگاه است. این نگاه، نگاه درستی است؛ این نگاه، آن نگاه واقعی است؛ بنابراین توصیه‌ی اول و مهم من این است که نگاه مجلس در این یک سال — حالا شما که در سال چهارم [و آخر مجلس] هستید، کلاً [نگاه] مجالس؛ چه شما باشید، چه دیگری — بایستی نگاه همکاری و هم‌افزایی باشد. البته ما به دولت و به قوه‌ی قضائیه در موارد خودش این تذکرات را میدهم؛ حالا هم به شما عرض میکنم. خب دولت بار اجرا را بر دوش دارد؛ این را که توجه دارید! بعضی از شماها، خودتان قبلاً در قوه‌ی مجریه بوده‌اید، چه در حد وزیر، چه در حد مدیر، در قوه‌ی مجریه بوده‌اید و میدانید قوه‌ی مجریه با قوه‌ی مقننه فرق میکند. آنجا کار هست، تلاش هست، فشار کار هست، توقع هست، مطالبه هست؛ باید مراعات قوه‌ی مجریه را کرد و بعضی از مناقشات غیر منطقی را نباید دخالت داد. گاهی اوقات میشود که مجلس وقتی با دولت همکاری میکند، یک عده‌ای از این بداخلاق‌ها که گوشه کنار نشسته‌اند، فوراً در روزنامه و در فضای مجازی و مانند این‌ها میگویند: «مجلس استقلال خودش را از دست داد، مجلس دولتی شد!»؛ به این‌ها اصلاً اعتنا نکنید. یا از روی غرض این حرف‌ها گفته میشود یا از روی بی‌اطلاعی از مصلحت نظام این حرف‌ها گفته میشود.

یکی از مواردی که من [بر آن] تکیه میکنم، همین مسئله‌ی بعضی از سخت‌گیری‌ها در مورد وزرائی است که به مجلس ارائه میشود. گاهی اوقات در مورد وزیر پیشنهادی دولت یک سخت‌گیری‌های غیرلازمی میشود که موجب میشود که وزارتخانه مدتها بی‌وزیر بماند و با سرپرست اداره بشود؛ خب این به کشور ضربه میزند. باید دقت کرد، بایستی صلاحیتها را تشخیص داد، در این تردیدی نیست، منتها سخت‌گیری در حد منطقی، در حد معقول؛ حالا الان در چند وزارتخانه ما وزیر نداریم که این‌ها همه به مجلس می‌آیند.

یک توصیه‌ی دیگری هم که میخواهم عرض بکنم، [این است که] حفظ حریت و صراحتی که شما دارید، خیلی خوب است. حریت و صراحت این مجلس خوب است. این حریت و صراحت را با تقوا و صداقت کافی حتماً همراه کنید؛ یعنی اگر بنا است یک چیزی گفته بشود، یک حرفی گفته بشود، خب با صراحت گفته بشود، منتها رعایت صداقت بشود، رعایت تقوا بشود. قرآن کریم میفرماید: «إِنَّ الدِّينَ يُحْيِيهِمْ وَأَنَّ تَشْيِيعَ الْفَاحِشَةِ فِي الدِّينِ أَمْتَوَا». اگر چیزی است که میتوان به دستگاه‌های مسئول، دستگاه‌های اطلاعاتی، دستگاه‌های دولتی تذکر داد و گفت و جلوی او را گرفت، لزومی ندارد که انسان این را علنی بکند. یک جایی البته چرا، لازم است، اما آنجا هم بایست تقوا رعایت بشود، صداقت رعایت بشود. گاهی ما میخواهیم به فلان مسئول مثلاً فرض کنید که سلی‌ای بزنیم، به مجلس سلی میزنیم؛ این است دیگر. یعنی ضربه خوردن به یک شخص گاهی مصادف میشود با ضربه خوردن به مجلس. حیف نیست؟ مجلس با این زحمت، با این تلاش [خراب بشود]! غرض، تعرض به آبروی افراد جایز نیست؛ تعرض به آبروی افراد، تعرض به هویت دینی و انقلابی افراد. البته این حرف مخصوص شما نیست. این مربوط به همه‌ی کشور، همه‌ی آحاد مردم از بالا و پایین [است]، منتها امثال من و شما که روی منبرهای بلندی نشسته‌ایم که صدای ما را همه می‌شنوند، در مورد ما این ملاحظات بایستی بیشتر باشد.

توصیه‌ی بعدی همین مطلب «سال آخر» است که قبلاً اشاره کردم. نگذارید وجاهت‌طلبی روی حرف‌ها و شعارها اثر بگذارد؛ یعنی اینکه حالا ما اگر چنانچه این حرف را زدیم، این شعار را دادیم، مردم به ما علاقه پیدا میکنند، احتمال رأی‌آوری بالا میرود، این را بکل از ذهنتان خارج کنید؛ این یکی از آن مجاهدت‌های مهم و لازم است. این هم یک توصیه.

توصیه‌ی آخر هم این است که شما امسال یعنی تا سال آینده — حالا انتخابات آخر سال است، اما همین ماه‌های پیش رو که در پیش دارید و مهم هم هست — کارهای بزرگی در مقابلتان هست: یکی‌اش برنامه‌ی هفتم است؛ یکی‌اش همین مسئله‌ی شعار سال است؛ مسئله‌ی مهار تورم و رونق تولید؛ این‌ها کارهای بسیار مهمی است. یکی این لوايح نیمه‌کاره‌مانده است که اشاره کردند که بعضی از لوايح يا طرح‌ها در جریان تصويب است، و هنوز تصويب نشده؛ خب این‌ها به جایی برسد، به یک نقطه‌ای برسد.

بالاخره این سال آخر یک فرصتی است که انسان نگاه کند پشت سرش؛ اگر چنانچه در این دو سه سال گذشته یک خلأیی باقی مانده، یک قصوری انجام گرفته، آن را در این سال آخر ان‌شاءالله جبران کنید و [همان‌جور که] سرافراز وارد مجلس شدید، ان‌شاءالله سرافراز از مجلس خارج بشوید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

منبع: میزان